

بررسی تطبیقی امکان سرایت قواعد قبول پستی بر قبول الکترونیکی

فخرالدین اصغری آقمشهدی* علی اکبر ایزدی فرد** حسین کاویار***

چکیده

این مقاله به بررسی اعمال قواعد حاکم بر «قبول در عقود مکاتبه‌ای» بر «قبول از طریق ایمیل» می‌پردازد. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آیا قواعد قبول در عقود مکاتبه‌ای، قابل اعمال بر قبول الکترونیکی است یا خیر؟ در این باره دیدگاه‌های متفاوتی ابراز شده است. مقاله‌ی حاضر به طرح و ارزیابی استدلال‌های طرفداران هر یک از این دیدگاه‌ها می‌پردازد. فرضیه‌ی این مقاله این است که رایانامه صرفاً یک وسیله‌ی تبادل آنی ارتباط نیست بلکه می‌توان آن را نوع دیجیتالی پست معمولی محسوب کرد. بنابراین قواعد قبول در عقود مکاتبه‌ای در این نوع از قراردادها نیز قابل اعمال هستند.

واژه‌های کلیدی: قرارداد الکترونیکی، ایمیل، انعقاد قرارداد، قبول الکترونیکی.

* دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

f.asghari@umz.ac.ir

** استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران ezadifard@umz.ac.ir

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

h.kaviar@umz.ac.ir

۱. مقدمه

انعقاد قراردادهای از راه دور^۱ یکی از موضوعات بحث برانگیز در حوزه‌ی حقوق قراردادهاست. قبول در قراردادهای از راه دور، همواره مورد بحث و گفتگوی حقوقدانان بوده است. در رابطه با این قراردادها سؤالات فراوانی وجود دارد، به ویژه با در نظر گرفتن قواعدی که باید بر زمان انعقاد قرارداد حاکم باشد. یکی از موضوعات بسیار مهمی که اخیراً محل بحث در محافل حقوقی است این است که آیا قواعد حاکم بر قبول در عقود مکاتبه‌ای قابلیت اعمال بر قراردادهای منعقد شده از طریق ایمیل دارند یا خیر؟

در عین حال که ساختار و مکانیسم تکنولوژی اینترنت و رایانامه (ایمیل) باعث ظهور موضوعات بدیعی در انعقاد قرارداد شده است، دلایل نظری و عملی متغنی برای اعمال «قاعده‌ی قبول پستی» بر «قبول ارسال شده از طریق ایمیل» وجود دارد که در مقاله حاضر با رویکردی تطبیقی و با تأکید بر رویه قضایی به این موضوع پرداخته می‌شود.

این مقاله به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شود: در قسمت نخست به بررسی قبول پستی می‌پردازیم و در قسمت دوم قابلیت اعمال قواعد قبول پستی بر قراردادهای منعقد شده از طریق ایمیل را بررسی می‌کنیم.

۲. قبول پستی

در رابطه با لحظه‌ی انعقاد قرارداد در عقود مکاتبه‌ای، چهار نظریه پیشنهاد شده که عبارتند از: (برای ملاحظه مبسوط این نظریات و نقد آن‌ها بنگرید: کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۶۱ - ۳۵۰؛ صفائی، ۱۳۸۶: ۷۴)

- **نظریه‌ی اعلان قبول:** طبق این نظر، قرارداد زمانی منعقد شده است که مخاطب ایجاب، اراده‌ی خود مبنی بر پذیرش مفاد آن را به طریقی مانند امضای نامه‌ی حاوی قبول ابراز نماید، اگر چه هنوز این نامه را ارسال نکرده باشد؛

- **نظریه‌ی ارسال قبول:** این نظر، تحویل نامه به اداره‌ی پست و یا نامه‌رسان را شرط تحقق عقد مکاتبه‌ای می‌داند. بدین معنا که قبول به ایمیل قبول‌کننده به قصد وصول، توسط موجب ارسال گردد؛
- **نظریه‌ی وصول یا دریافت قبول:** طبق این نظر، زمان انعقاد قرارداد وقتی است که نامه‌ی قبول به موجب برسد؛
- **نظریه‌ی اطلاع از قبول:** مطابق با این نظریه، در هیچ‌یک از مراحل فوق، عقد به وجود نمی‌آید، بلکه تراضی هنگامی کامل است که موجب از مفاد نامه‌ی حاوی قبول، مطلع شود.
- قاعده‌ی قبول مکاتبه‌ای در حقوق انگلیس برای اولین بار در دعوی آدامز علیه لایندسل^۲ مطرح شد. خلاصه پرونده به این شرح است: در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۸۱۷، خوانندگان نامه‌ای حاوی ایجاب فروش ۸۰۰ تن پشم گوسفند به خواهان ارسال کردند. نامه‌ی خوانندگان اشتباهاً به جایی دیگر رفت و خواهان آن را در ۵ سپتامبر دریافت کرد. خواهان در غروب همان روز قبول ایجاب را نوشت. قبولی مزبور در تاریخ ۹ سپتامبر به دست خوانندگان رسید. این در حالی بود که خوانندگان با فرض اینکه نامه به مقصد رسیده است گمان می‌کردند که در ۷ سپتامبر پاسخ خواهان را دریافت می‌کردند. از این رو، در تاریخ ۸ سپتامبر، مبیع را به شخص دیگری فروختند. خواهان برای الزام خواننده به تسلیم مبیع اقامه‌ی دعوی کرد. دادگاه مقرر داشت که قبولی هنگام «ارسال از طریق پست» لازم‌الاجراء محسوب می‌شود (استون^۳، ۲۰۰۳: ۴؛ سالزدو و برانر^۴، ۱۹۹۹: ۱۵). این قاعده حتی زمانی که قبول به دست موجب نرسد، اعمال می‌شود. در دعوی شرکت بیمه هاوس هولدر فایر علیه گرنر^۵، خواننده، ایجاب خرید سهام در شرکت خواهان را داد. ایجاب مذکور از طریق نامه‌ای که خواهان به خواننده پست کرد، قبول شد. اما نامه هرگز به مقصد خواننده نرسید. بعد از سه سال، شرکت، تصفیه حساب کرد و مدیر تصفیه درخواست مبلغ مورد تعهدی را کرد که هرگز از طریق سهام خواننده پرداخت نشده بود. دادگاه مقرر داشت که خواننده یک سهامدار است و باید مبلغ مورد

ادعا را پرداخت کند. قرارداد در لحظه‌ی «پست کردن قبول» منعقد شده بود (ساف^۶، ۲۰۰۰: ۱۰).

در توجیه «قاعده‌ی ارسال» بیان شده است که وقتی موجب، ایجاب خود را به اداره‌ی پست تحویل می‌دهد، در واقع، اداره‌ی مزبور را نماینده خود در گرفتن قبول قرار می‌دهد. بنابراین، قبول زمانی کامل است که به این نماینده داده شود (استون^۷، ۲۰۰۲: ۴۹). در دعوی شرکت بیمه هاوس هولد فایر علیه گرنت، قاضی دادگاه استیناف، «نظریه‌ی نمایندگی» را به عنوان مبنای قاعده‌ی ارسال پیشنهاد داد. وی چنین اظهارنظر کرد: «سؤال این است که در قراردادهای مکاتبه‌ای از طریق پست، بر چه مبنایی قرارداد شکل می‌گیرد؟ به نظر من، هیچ مبنایی جز رفتار اداره‌ی پست به عنوان نماینده‌ی طرفین نمی‌تواند، مبنای مناسبی برای انعقاد قرارداد باشد» (آوتون و دیویس^۸، ۲۰۰۰: ۵۵).

برخی حقوقدانان این استدلال را نپذیرفته‌اند. به نظر آنان اداره‌ی پست، نماینده در اخذ قبول نیست، به خصوص که اداره‌ی پست به عنوان مأمور دولت برای ارائه‌ی خدمات عمومی تحت مقررات دولت عمل می‌کند (اوانس^۹، ۱۹۶۶: ۵۵۳). مضاف بر این، در اداره‌ی پست، نامه‌ها مهر و موم می‌شوند و اداره‌ی پست از محتوای نامه بی‌خبر است لذا باید اداره‌ی پست را نماینده و عامل انتقال قبول^{۱۰} دانست و نه نماینده‌ی دریافت قبول^{۱۱}. علاوه بر این، در نمایندگی، قصد نماینده شرط است که وجود چنین قصدی در اقدامات اداره پست منتفی است.

هر گونه تأخیری که بین ارسال و وصول نامه‌ی پستی حادث می‌شود، ریسک بالقوه‌ای برای طرفین ایجاد می‌کند. این ریسک، معلول ابهام در وصول پیام است. این استدلال، اساس و بنیان اعمال قاعده‌ی ارسال قبول است. همانطور که گفتیم با تکیه بر نظر ارسال قبول، تاریخ انعقاد قرارداد برای طرفین کاملاً مشخص و محرز است. عده‌ای از حقوقدانان، اعمال قاعده‌ی ارسال را زاده‌ی نیاز و مصلحت تجارت می‌دانند. آنان ارسال نامه‌ی قبولی را اماره‌ای برای زمان انعقاد عقد می‌دانند (تریتل^{۱۲}، ۱۹۹۱: ۲۴).

استدلال‌های فوق، در ارتباط با قراردادهای پستی مرسوم است. به عنوان یک قاعده باید گفت که «قاعده‌ی ارسال»، در قراردادهای مکاتبه‌ای که زمان ارسال و وصول نامه با تأخیر صورت می‌گیرد و طرفین به طور همزمان انتقال نامه را از طریق پست کنترل نمی‌کنند، اعمال می‌شود. حال سؤال این است که آیا قاعده‌ی ارسال قبول در قراردادهای منعقد از طریق ایمیل یا سایر وسایل الکترونیکی، قابل اعمال است یا خیر؟

۳. قبول الکترونیکی

برخی از حقوقدانان معتقدند که ایمیل و سایر روش‌های انعقاد قرارداد برخط جزء وسایل ارتباطی آنی و همزمان هستند و بنابراین اصل عامی که در قراردادهای پستی اعمال می‌شود، در مورد این قراردادها نیز اعمال می‌گردد (هیل^{۱۳}، ۲۰۰۴: ۲۰۳). این نظر ممکن است در مورد قراردادهای منعقد از طریق وبسایت درست باشد؛ زیرا فاصله‌ی زمانی بین ارسال و قبول ایجاب وجود ندارد. اما انعقاد قرارداد از طریق رایانامه با انعقاد قرارداد از طریق وبسایت متفاوت است. ما در ذیل به تشریح بیشتر مطلب خواهیم پرداخت.

۳-۱. طرز کار رایانامه

رایانامه سال‌هاست که به یکی از پرکاربردترین ابزارهای ارتباطی تبدیل شده است؛ چرا که علی‌رغم سرعت بالا، قیمت ارزان، برون‌خط^{۱۴} است: یعنی برخلاف تلفن و فکس، نیازی نیست که گیرنده در هنگام دریافت پیام در مقصد حضور داشته باشد. کاربر رایانامه می‌تواند پیامی را که قصد دارد در آینده بدون داشتن ارتباط با اینترنت، ارسال کند، در صندوقی^{۱۵}، پیش‌نویس (ذخیره موقت) کند. وقتی کاربر، پیام را ایجاد کرد، اولین مرحله از سفر ایمیل به سوی مقصد هنگامی است که وی با ارائه‌کننده‌ی خدمات اینترنتی (از این به بعد: رسا)^{۱۶} ارتباط برقرار می‌کند. مرحله‌ی دوم هنگامی است که ارسال‌کننده بر روی نماد «ارسال»^{۱۷} کلیک می‌کند، مشروط به اینکه

شبکه مشغول نباشد و آدرس گیرنده درست وارد شده باشد. انتقال پیام از بین شبکه‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد تا اینکه به رسای گیرنده در مقصد برسد. گیرنده می‌تواند با رجوع به آدرس پست الکترونیکی خود، نامه را از رسا، که نزد او موجود است، دریافت کند. فرایندی که گیرنده می‌تواند متن نامه را مشاهده کند، از چند ثانیه تا چند دقیقه، بیشتر به طول نمی‌کشد (کریستنسن^{۱۸}، ۲۰۰۱: ۲۲).

ممکن است در ارسال و دریافت ایمیل تأخیراتی حادث شود. این تأخیرات نتیجه‌ی عوامل مختلفی است. برای مثال اگر شخص «الف» در تهران یک ایمیل به شخص «ب» در اصفهان بفرستد، معمولاً هیچ ارتباط مستقیمی بین سیستم‌های کامپیوتری وجود ندارد. با این اوصاف می‌توان گفت که ایمیل یک «شیوه‌ی ارتباط آنی و فوری» نیست بلکه در پروسه‌ی ارسال تا وصول ممکن است فواصل و تأخیراتی حادث شود (بنگرید: رونان^{۱۹}، ۲۰۰۶: ۱۰۳).

حال که ایمیل یک وسیله ارتباط غیر آنی است، سؤال این است که در چه زمانی فرض ارسال ایمیل مفروض است؟ اگر محاکم، بخواهند قاعده‌ی صندوق پستی را در مورد ایمیل اعمال کنند، بررسی «ماهیت ارسال» موضوع اساسی و مهمی است. قبول زمانی ارسال شده فرض می‌شود که از تصرف قبول‌کننده خارج شود و تحت تصرف شخص ثالثی درآید که مجاز در تصرف است. این شخص ثالث، نه نماینده‌ی قابل است و نه نماینده‌ی موجب، بلکه در فرض مورد بحث «رسا» است. همانطور که گفتیم «رساها» مؤسسات و شرکت‌های مستقلی هستند که خدمات اینترنت را برای کاربران فراهم می‌کنند، از این رو، یک رسا «نماینده کاربر» محسوب نمی‌شود و قواعد نمایندگی بر روابط آنها حکمفرما نیست. در ارسال قبول از طریق ایمیل، فرض می‌شود که پیام زمانی از دسترس قبول‌کننده خارج می‌شود که قبول‌کننده با ورود در ایمیل بر روی گزینه «ارسال» کلیک کند. قابل ممکن است تأییدیه‌ای مبنی بر اینکه «پیام شما با موفقیت ارسال شد» دریافت کند. در غیر این صورت اگر پیام با موفقیت ارسال نشود، از سوی سرویس‌دهنده‌ی ایمیل پیامی به صندوق قابل، ارسال می‌شود مبنی بر اینکه

بررسی تطبیقی امکان سرایت قواعد قبول پستی بر قبول الکترونیکی

«ارسال پیام شما با خطا مواجه شده است». زمان دقیق ارسال پیام معمولاً در صدر ایمیل درج می‌شود. برای مثال، اگر به موجب قرارداد الکترونیکی، یک دستگاه ابررایانه میان شرکت آمریکایی و یک شرکت تأمین ارتباط اینترنتی در ایران، معامله شود، در صورتی که محل اقامت شرکت ایرانی، تهران و شرکت آمریکایی، واشنگتن باشد و قرارداد ساعت ۹/۵ صبح به وقت واشنگتن منعقد شود، در تهران این عقد اوائل شب (ساعت ۶ عصر) واقع شده است. برای این منظور، در اغلب سرویس‌های ایمیل، هنگام دریافت ایمیل توسط مخاطب، علاوه بر درج تاریخ و ساعت ارسال، قید می‌شود که این ایمیل چند ثانیه، دقیقه، ساعت، روز، ماه و سال پیش ارسال شده است.

۲-۳. اعمال قاعده قبول پستی در قبول‌های از طریق ایمیل

در ذیل به بررسی مبسوط دلایل تعمیم اعمال قاعده‌ی قبول پستی به قبول الکترونیکی می‌پردازیم:

۱-۲-۳. عدم وجود مقررات خاص و شفاف در مورد قبول الکترونیکی

نخستین دلیل برای تعمیم اعمال قاعده قبول پستی به قراردادهای الکترونیکی، عدم وجود قانونی خاص و شفاف درباره قبول الکترونیکی است. در این قسمت به بررسی تطبیقی حقوق ایالات متحده آمریکا، حقوق انگلستان و حقوق ایران پیرامون این موضوع می‌پردازیم.

الف. حقوق ایالات متحده آمریکا

حقوق آمریکا، زمان و مکان ارسال و دریافت پیام الکترونیکی، را روشن کرده است. قوانین آمریکا، با اتخاذ رویکرد قانون نمونه آنسیترال، به عنوان منبع اصلی، اعمال قاعده‌ی قبول مکاتبه‌ای را در خصوص معاملات الکترونیکی کنار می‌زنند و «قاعده‌ی دریافت»^{۳۶} را به عنوان قاعده‌ی عمومی برای تشکیل قبول انتخاب می‌کنند.^{۲۰} دلایل مختلفی براین امر وجود دارد:

اولاً) در آمریکا اعمال «قاعده‌ی دریافت» به عنوان قاعده‌ی عمومی، به آنی‌بودن^{۲۱}

وسيله‌ی ارتباطی موكول است. تلفن يا فاكس، وسايل ارتباط آنی دوسويه هستند. از اين رو، در دعاوی ناظر به انعقاد قرارداد از طريق فاكس يا تلفن، اگر چه طرفين به طور فیزیکی نزد يكديگر نیستند، قاعده‌ی کلی (قاعده‌ی دریافت) در این نوع ارتباطات اعمال می‌شود. از آنجایی که ایمیل را نمی‌توان به عنوان یک وسیله‌ی ارتباطی مستقیم و آنی تعریف کرد، بنابراین، این استدلال در مورد آن صادق نیست.

ثانیاً قوانین آمریکا به ویژه قانون متحدالشکل معاملات الکترونیکی آمریکا مصوب ۱۹۹۹ (یوتا)^{۲۲} بیانگر دو زمان است: «زمانی که فرض می‌شود پیام توسط گیرنده دریافت شده است» و «زمانی که آن پیام توسط گیرنده قابلیت دسترسی و بازیافت را دارا باشد».

بخش ۱۵ یوتا تحت عنوان «زمان و مکان ارسال و دریافت» چنین بیان می‌کند:
«الف) جز در صورتی که بین فرستنده و گیرنده به گونه‌ای دیگر توافق شده باشد، یک مدرک الکترونیکی، زمانی ارسال شده محسوب می‌گردد که:

(۱) اگر به طور صحیح ارسال شده یا به گونه‌ی مقبول دیگری به سیستم پردازش اطلاعاتی که گیرنده برای دریافت مدارک الکترونیکی طراحی نموده یا از آن استفاده می‌کند، وارد شود یا به گونه‌ای باشد که اطلاعاتی از این قبیل، از آن ارسال می‌شود و گیرنده، توانایی بازیابی آن مدارک الکترونیکی را داراست؛

(۲) به شکلی باشد که سیستم بتواند آن را پردازش کند؛

(۳) به یک سیستم پردازش اطلاعات، خارج از کنترل فرستنده یا شخصی که به نمایندگی از وی، آن مدرک الکترونیکی را ارسال می‌کند، وارد شود یا به سیستم پردازش اطلاعاتی که از سوی گیرنده طراحی شده یا استفاده می‌شود و در کنترل گیرنده قرار دارد، داخل شود.

ب) جز در صورتی که بین فرستنده و گیرنده به گونه‌ای دیگر توافق شده باشد، یک مدرک الکترونیکی زمانی دریافت شده محسوب می‌گردد که:

(۱) به سیستم پردازش اطلاعاتی که گیرنده، آن را برای بازیافت مدارک

بررسی تطبیقی امکان سرایت قواعد قبول پستی بر قبول الکترونیکی

الکترونیکی طراحی نموده یا مورد استفاده قرار می‌دهد، وارد شود؛

(۲) به شکلی باشد که سیستم بتواند آن را پردازش کند».

در تجارت الکترونیکی، این مسأله که چه کسی خطر نرسیدن داده‌پیام یا تأخیر در وصول آن را به مخاطب بر عهده می‌گیرد، به دلیل ماهیت اعتباری معاملات و اهمیت فوق‌العاده مسأله زمان در آنها، مهم به نظر می‌رسد. بند ۱ ماده ۱۱ دستورالعمل تجارت الکترونیکی اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۰۰ صرفاً اقسام محدودی از داده‌پیام (سفارش و تأییدیه وصول) را ذکر می‌کند که فاقد هرگونه اثر از حیث حقوق خصوصی است؛ زیرا چنین اثری پیش‌بینی نشده و مسکوت مانده است. به موجب ماده مزبور «فرض می‌شود که سفارش و تأییدیه وصول، هنگامی دریافت شده که مخاطب بتواند بدان دسترسی یابد».

به علاوه، قاعده‌ای که دستورالعمل تجارت الکترونیکی آن را وضع کرده، ابعاد مشخصی ندارد. بدین سبب که معنای «توانایی دسترسی» در محیط الکترونیکی، به طور کامل معلوم نیست.

با توضیحات یوتا، می‌توان به راه‌حل جامعی در تعیین زمان و مکان دقیق انتقال ریسک دست یافت. مبنایی که از یوتا به دست می‌آید، برای بازار اروپا بسیار مفیدتر از مقرراتی است که در دستورالعمل تجارت الکترونیکی درباره زمان وصول داده‌پیام وجود دارد.

قانون متحدالشکل معاملات اطلاعات رایانه‌ای مصوب ۱۹۹۹ (یوسیتا)^{۳۳} که یک قانون متحدالشکل تجاری در خصوص پروانه‌های استفاده از نرم‌افزار، پروانه‌های دسترسی به داده‌های آنلاین، توافقات کاربران اینترنت و توافقات اطلاع‌رسانی که بیشتر جنبه اینترنتی دارند، است مقررات تفصیلی و صریحی در مورد اعمال «قاعده‌ی دریافت» به عنوان اصل کلی در انعقاد قراردادهای الکترونیکی دارد. بخش ۲۱۵ یوسیتا مقرر می‌دارد که «پیام الکترونیکی زمانی مؤثر و معتبر است که دریافت گردد حتی اگر هیچ شخصی از دریافت آن پیام آگاهی نداشته باشد» (بند الف). «دریافت پیام

الکترونیکی به محض وصول قابل تصدیق است اما این تصدیق بدین معنا نیست که محتوای پیام ارسال شده با محتوای پیام دریافت شده یکسان است» (بند ب). بنابراین به موجب یوسیتا، از آن جهت یک پیام الکترونیکی، نافذ و مؤثر است که دریافت شده است، اگر دریافت نافذ باشد، این اماره را به وجود نمی‌آورد که پیام هیچ گونه خطایی در بر ندارد، به گونه‌ای که تمامی محتویات آن مناسب و درست بوده و یا اینکه توسط شخص خاصی ارسال شده است.

یوسیتا «دریافت» را این‌گونه تعریف می‌کند: «دریافت یعنی به وجود آمدن اطلاعات در سیستم پردازشگر یا در آدرس سیستمی که قابلیت پردازش یا دریافت را از سیستمی که همانند سیستم گیرنده است دارد، البته اگر گیرنده آن را بکار گیرد، در غیر این صورت، مکان یا سیستمی را برای دریافت اخطاریه‌ای از همان نوع که داده شده، طراحی کرده و ارسال کننده، نمی‌دانسته که اخطاریه نمی‌تواند در آن مکان، قابل دسترسی باشد» (بخش ۱۰۲ (۵۲) (ب)). یوسیتا در بخش ۲۰۳ (۴) بیان می‌کند: «اگر پیام الکترونیکی حاوی ایجاب با یک پیام الکترونیکی حاوی قبول برخورد و تداعی داشته باشد، قرارداد هنگامی شکل می‌گیرد که قبول الکترونیکی دریافت شود».

بنابراین، طبق یوسیتا «قاعده دریافت» به عنوان «اصل کلی» باید بر معاملات الکترونیکی حکمفرما باشد، هرچند گیرنده پیام الکترونیکی از «دریافت» آگاه نباشد (پوگی^{۲۴}، ۲۰۰۰: ۲۶۷).

این دیدگاه با دیدگاهی که «بازنویسی دوم حقوق قراردادهای»^{۲۵} مصوب ۱۹۸۱ در مورد زمان قبول اتخاذ کرده است، مطابقت دارد. بازنویسی دوم حقوق قراردادهای بیان می‌کند که معمولاً تراضی دوجانبه زمانی حاصل می‌شود که یکی از طرفین ایجابی را ارائه داده باشد و «قبول طرف دیگر به دنبال آن ایجاب بیاید». قبولی می‌تواند به هر وسیله‌ای که ایجاب‌دهنده استفاده می‌کند یا هر وسیله‌ی دیگری که «در معاملات مشابه در زمان و مکان دریافت ایجاب مرسوم است» ابراز شود. بازنویسی، بسته به اینکه قابل (طرف ایجاب) چگونه قبولی را بفرستد، قواعد متفاوتی را وضع کرده است. در بند

(الف) بخش ۶۳ بازنویسی آمده «قبول، تراضی دوجانبه را به محض اینکه از دسترس قابل خارج شود تکمیل می‌کند، قطع نظر از اینکه آیا به موجب برسد یا خیر».

در تکمیل بند (الف)، بند (ب) بخش ۶۳ بازنویسی چنین می‌گوید: «قبولی عقود خیار^{۲۶} تا زمانی که توسط موجب دریافت نشده باشد، فاقد هرگونه اثر حقوقی است».

در بخش ۶۴ بازنویسی «وضعیت زمان اعتبار قبول در قراردادهای آنی» بیان شده است. به موجب این بخش، قبولی که از طریق تلفن یا سایر وسایل ارتباطی دوسویه آنی داده می‌شود، مشمول همان اصولی است که طرفین در حضور یکدیگر هستند. در چنین مواردی، قبول زمانی مؤثر است که به موجب برسد (پوگی، ۲۰۰۰: ۲۳۴)؛ زیرا مکالمات تلفنی در زمان و مکان مشخصی انجام می‌شوند و زمان قطعیت قبول هنگامی است که بعد از اعلام قبول، ارتباط قطع می‌شود. از آن جهت که با اعلام تلفنی قبول، طرف مقابل نیز از محتوای آن آگاهی می‌یابد و عرفاً فاصله‌ای میان اعلام، وصول و اطلاع از قبول متصور نیست. قرارداد به هنگام استماع قبول توسط مخاطب تشکیل می‌شود (السان، ۱۳۸۵: ۳۶۶).

ب. حقوق انگلستان و اتحادیه اروپا

در حقوق انگلستان، هیچ اشاره‌ای در خصوص انعقاد قرارداد یا مسائل زمانی (از قبیل زمان ارسال و دریافت پیام)، آن‌گونه که در یوتا و یوسیتا وجود دارد، نشده است. «آیین‌نامه تجارت الکترونیک انگلستان مصوب ۲۰۰۲»^{۲۷} متضمن ماده‌ای که بیانگر این باشد که چه زمانی پیام را «ارسال شده» یا «دریافت شده» محسوب کنیم، نیست. این آیین‌نامه بسیاری از مواد «دستورالعمل تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۰۰» را در ۲۱ آگوست ۲۰۰۲ در سطح انگلستان لازم الاجرا کرد. «دستورالعمل تجارت الکترونیک» از دولت‌های متعاقد می‌خواهد تا در قوانین داخلی خود، مقررات پیچیده و پیشرفته‌تری نسبت به یوتا و قانون نمونه آنسیترا^{۲۸} وضع کنند. ماده ۱۱ دستورالعمل چنین بیان می‌کند: «دولت‌های متعاقد باید اطمینان حاصل کنند که، جز در صورت

توافق بین طرفین غیرمصرف‌کننده، در مواردی که گیرنده‌ی خدمات، سفارش خود را از طریق وسایل الکترونیکی صورت داده باشد، اصول ذیل اعمال می‌شوند:

- ارائه‌دهنده‌ی خدمات باید وصول سفارش گیرنده را در مدت زمان معقول و از طریق وسایل الکترونیکی تصدیق کند؛
- فرض می‌شود که سفارش و تأییدیه وصول، هنگامی دریافت شده که مخاطب بتواند بدان دسترسی یابد.

این قواعد، برخلاف یوتا، به جای آنکه مفهوم کلی و مبهم «توانایی دسترسی» را به طور عمیق تحلیل کنند، بر «قابلیت وصول» و «فرایند انعقاد قرارداد» از طریق وب-سایت متمرکز می‌شوند (رامبرگ^{۲۸}، ۲۰۰۱: ۴۳۲). همان‌طور که قبلاً ذکر شد بخش ۱۵ یوتا مفهوم کلی و مبهم «توانایی دسترسی» را با معرفی این شرط الزامی که داده‌پیام به سیستم پردازش اطلاعات گیرنده وارد شود و به شکلی باشد که سیستم مذکور توانایی پردازش آن را داشته باشد، به دقت تحلیل می‌کند.

این بدین خاطر است که آیین‌نامه، هدف شفافیت را دنبال می‌کند و برای نیل به این هدف، لازم است اطلاعات ارائه شوند. بهترین مثال از این اطلاعات عبارت است از وظیفه ارائه‌دهنده‌ی خدمات به ارائه‌ی اطلاعاتی خاص در خصوص چگونگی انعقاد الکترونیکی قرارداد. در زمان تهیه پیش‌نویس «دستورالعمل تجارت الکترونیک» در خصوص «تشکیل قراردادهای الکترونیکی» بحث‌های قابل توجهی وجود داشت که چگونه به نحو احسن بتوان این موضوع را قاعده‌مند ساخت و آن را در کل اروپا متحدالشکل نمود. پیش‌نویس نخست و دوم این دستورالعمل، حاوی بخشی تحت عنوان «زمان انعقاد قرارداد»^{۲۹} بود. مطابق پیش‌نویس، قرارداد الکترونیکی، به محض «تأیید نهائی دریافت از سوی مصرف‌کننده» و «دریافت دوباره‌ی این تأیید از سوی فروشنده» تشکیل شده محسوب می‌شد (مورای^{۳۰}، ۲۰۰۵: ۸۲). پیش‌نویس «دستورالعمل تجارت الکترونیک» شیوه‌ی جدیدی برای انعقاد قرارداد ارائه می‌کرد. این شیوه عبارت است از «تأیید دریافت آگاهی». عقیده بر این بود که قرارداد به صرف تبادل ایجاب و

بررسی تطبیقی امکان سرایت قواعد قبول پستی بر قبول الکترونیکی

قبول، وجود اعتباری نمی‌یابد، بلکه لازم است که دوباره از سوی طرفین تأیید گردد. در واقع، به جای تشریفات دو مرحله‌ای، روشی چهار مرحله‌ای پیشنهاد می‌کرد. تهیه‌کنندگان پیش‌نویس خواهان این بودند تا شیوه‌ای «متحدالشکل» و «مطمئن» برای انعقاد عقود آنلاین در سرتاسر اروپا ایجاد کنند. اگر این پیش‌نویس تصویب می‌شد، یک ساختار چهار مرحله‌ای برای انعقاد قرارداد پی‌ریزی می‌کرد. برای مثال، در خرید یک کتاب از سایت «آمازون»^{۳۱} مراحل مندرج در جدول ذیل باید طی می‌شد:

۱	دیدن مشخصات کتاب در سایت	ایجاب (از سوی آمازون)
۲	ارسال «سفارش» به آمازون	قبول
۳	دریافت تأییدیه از سوی آمازون	اعلام وصول قبول گیرنده
۴	تأیید وصول به آمازون	تأیید وصول اعلام وصول

طبق این پیش‌نویس، قرارداد در مرحله چهارم منعقد می‌شود. پیش‌بینی چنین سیستمی فوراً توسط سرویس‌دهندگان مورد انتقاد قرار گرفت. در نسخه نهایی دستورالعمل، این قسمت تحت عنوان «مکان سفارش»^{۳۲} تغییر کرد (ماده ۱۱). در نسخه‌ی نهایی، مراحل تشکیل قرارداد آنلاین به سه مرحله تقلیل یافت (ایجاب، قبول و تأیید). با این حال، آنچه اکنون از متن دستورالعمل باقی مانده است به ابهام در ماده ۱۱ منجر شده است. طبق این ماده «سرویس‌دهنده به تأیید دریافت پیام از سوی گیرنده، بدون تأخیر ناروا و با وسایل الکترونیکی ملزم می‌باشد».

بند اول: فلسفه «تأیید» مذکور در ماده ۱۱ دستورالعمل تجارت الکترونیک

قاعده‌ای که در ماده ۱۱ دستورالعمل ذکر شده، منطقی روشن ندارد. فلسفه‌ی این تأیید این است که با صدور آن، انعقاد بدون ابهام قرارداد به اثبات رسد. البته، مبرهن است که چنین تأییدی در تمامی قراردادها بااهمیت است و اختصاصی به قراردادهای

الکترونیکی ندارد. با این حال، در حقوق، قاعده‌ی عامی با مضمون «لزوم تأیید قرارداد» وجود ندارد.

سیستم مذکور در واقع قراردادهای الکترونیکی را از دسته‌ی عقود رضائی خارج و آنها را تشریفاتی نموده است؛ زیرا به موجب تعریف، عقد رضائی «عقدی است که به صرف توافق اراده‌ی طرفین به شرط اینکه به نحوی از انحاء بیان شده باشد منعقد می‌شود و تحقق آن نیاز به تشریفات خاصی مانند به کار بردن الفاظ معین یا تنظیم سند ندارد» (صفائی، ۱۳۸۶: ۴۱). در مقابل، عقد تشریفاتی «قراردادی است که با تشریفات خاصی واقع می‌شود و صرف توافق طرفین برای وقوع آن کافی نیست» (همان: ۴۲). اما آیا لزوم رعایت برخی تشریفات وقت‌گیر که موجب کندشدن سرعت در عقود الکترونیکی می‌شود، با فلسفه‌ی وجودی اینترنت و دیگر شبکه‌های ارتباطی که همانا کاستن از تشریفات و به حداقل رساندن سرعت انعقاد قرارداد و حتی اجرای قراردادهاست در تضاد نیست؟ ضروری دانستن اینکه قرارداد الکترونیکی با پشت سر گذاشتن مراحل مختلفی منعقد می‌شود، می‌تواند موجب بی‌انگیزه و دلسرد شدن مصرف‌کننده نسبت به ادامه فرایند انعقاد قرارداد شود.

بند دوم: ماهیت «تأیید» مذکور در ماده ۱۱ دستورالعمل

اگر در حقوق داخلی قراردادها، «تأییدیه» واقعاً «قبول» تلقی شود، اهمیت فراوان می‌یابد. تشخیص اینکه کدام پیام، ایجاب یا قبول است، عملاً واجد آثار حقوقی بسیاری می‌باشد. گاهی اوقات، مدرکی که با عنوان «تأییدیه» یا «تصدیق» مشخص گردیده، از نظر حقوقی «قبول» قلمداد می‌شود. از این رو، پیش از ارسال قبول (تأییدیه) برای طرف مقابل، قراردادی منعقد نشده است. گاهی «تأییدیه» صرفاً یادآور تعهداتی است که طرفین بدان ملتزم شده‌اند (رامبرگ، ۲۰۰۱: ۴۳۳). اصولاً انعقاد قرارداد به صرف ایجاب و قبول و بدون نیاز به وصول تأییدیه است. هنگامی که قراردادی در شرف انعقاد است، تأییدیه صرف نظر از ارزش اثباتی، فاقد هرگونه اثر حقوقی قابل توجه است. مسائل عملی ناشی از تعریف وضعیت حقوقی برای تأییدیه با ارائه‌ی مفهومی جدید از

بررسی تطبیقی امکان سرایت قواعد قبول پستی بر قبول الکترونیکی

«تصدیق سفارش» در دستورالعمل تجارت الکترونیک، اندکی پیچیده و مبهم شده است. پیش از این، هیچ کدام از مفاهیم «تصدیق» و «تأیید» در مقررات حقوق قراردادها به کار نرفته بود.

ج. حقوق ایران

در رابطه با لحظه‌ی انعقاد قرارداد در عقود مکاتبه‌ای در حقوق ایران نظریه وصول قبولی و اطلاع از قبول قابل پذیرش نیست، چه آنکه به موجب ماده ۱۹۱ قانون مدنی عقد به صرف قصد انشا منعقد می شود و وصول قصد یک طرف از سوی دیگری و یا اطلاع طرف دیگر از آن شرط تحقق عقد دانسته نشده است (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۶۲). برخی مؤلفین با این استدلال که با توجه به اینکه عنصر سازنده عقد اراده باطنی است که به شکلی باید ابراز و اعلام گردد و ماده ۳۳۹ قانون مدنی نیز صرف اعلام قبول را برای انعقاد عقد بیع کافی می داند، نظریه اعلام قبول را پذیرفته‌اند (درودیان، بی تا: ۱۲۹). اما اکثر اساتید حقوق ایران، نظریه ارسال قبول را به عنوان اصل پذیرفته‌اند (بنگرید: کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۶۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۲۷؛ صفائی، ۱۳۸۶: ۷۶؛ نصیری، ۱۳۸۳: ۱۲۷؛ شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۶۲)؛ چه آنکه در انعقاد قرارداد باید قصد قطعی وجود داشته باشد. وجود چنین قصدی هنگام اعلام قبول محل تردید است. اما از زمانی که قبول کننده نامه قبولی را ارسال می کند، می توان گفت قصد قطعی خود را اعلام داشته است مگر اینکه خلاف آن اثبات شود.

قانون تجارت الکترونیکی ایران (مصوب ۱۳۸۲) به تبعیت از قانون نمونه تجارت الکترونیک آنسیترا (مصوب ۱۹۹۶) و بدون اینکه موضع مشخصی اتخاذ کند زمان «ارسال» و «دریافت» داده پیام را توصیف کرده است و بدین ترتیب راه را برای اعمال قواعد حقوق داخلی در این زمینه باز گذاشته است.

بند اول: زمان ارسال داده پیام

مطابق ماده ۲۶ قانون تجارت الکترونیک: «ارسال داده پیام زمانی تحقق می یابد که به یک سیستم اطلاعاتی خارج از کنترل اصل ساز یا قائم مقام وی وارد شود».

از منطوق ماده ۲۶، پیداست معیار زمان ارسال داده‌پیام که از جمله می‌تواند حاوی ایجاب و قبول باشد، این است که به سیستم اطلاعاتی، خارج از کنترل اصل ساز، وارد شود. یعنی اگر اصل ساز، در تاریخ امروز، داده پیام خود را ارسال کند، اما به هر دلیلی، اعم از ترافیک شبکه یا خرابی سیستم‌های اطلاعاتی واسطه یا مخاطب، داده پیام فردا به سیستم خارج از کنترل اصل ساز وارد شود، زمان ارسال داده‌پیام فردا خواهد بود نه امروز. بنابراین اگر اصل ساز، داده‌پیام حاوی ایجاب یا قبول را ارسال کند، ولی به هر دلیل به سیستم اطلاعاتی خارج از کنترل وی وارد نشود، ارسال تحقق پیدا نخواهد کرد و اگر با تأخیر وارد سیستم اطلاعاتی شود، زمان ورود، زمان ارسال تلقی خواهد شد (فیضی چکاب، ۱۳۸۳: ۴۳۰ - ۴۲۹). با این حال، کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی (مصوب ۲۰۰۵)^{۳۳} که ایران به موجب تصویب‌نامه مورخ ۱۳۸۶/۳/۲ هیأت وزیران به آن ملحق شده است، ضمن توصیف ارسال، معیار متفاوتی برای احراز ارسال تعیین کرده است. به موجب بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون: «زمان ارسال ارتباط الکترونیکی هنگامی است که سیستم اطلاعاتی از کنترل اصل ساز یا کسی که از سوی وی، ارتباط را ارسال می‌کند، خارج می‌شود؛ اگر ارتباط الکترونیکی از کنترل اصل ساز یا کسی که از سوی او ارتباط را ارسال می‌دارد، خارج نشود، زمان ارسال هنگامی است که ارتباط الکترونیکی، وصول می‌شود».

در تفسیری که برخی نویسندگان بر این ماده نوشته‌اند، گفته شده است که «کنوانسیون برای تشخیص زمان ارسال ارتباط الکترونیکی، ابتدا به ارائه‌ی قاعده و سپس استثناء وارد بر آن، پرداخته است. بدین توضیح که، اصل بر این است که ارتباط الکترونیکی، هنگامی ارسال شده تلقی می‌شود که از کنترل اصل ساز و یا کسی که از سوی وی، ارتباط را ارسال می‌کند، خارج شود. اما در مواردی ممکن است به دلیل عیب دستگاه و یا هر عامل دیگری، این ارتباط از کنترل اصل ساز، خارج نشود، در این حالت، زمان ارسال ارتباط همان زمان وصول ارتباط است که در بند ۲ ماده ۱۰

مشخص گردیده است. بنابراین، در مواردی که مشخص نشود که ارتباط از کنترل اصل ساز خارج شده، باید احراز شود که آن ارتباط وصول شده است» (به نقل از: رضائی، ۱۳۸۷: ۲۱۱). تفسیری که دبیرخانه کمیسیون سازمان ملل برای حقوق تجارت بین-المللی بر بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون مورد بحث نوشته با تفسیر اخیر متفاوت است برابر این تفسیر، «علیرغم تفاوت ظاهری بند ۱ ماده ۱۵ قانون نمونه و بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون، این دو قاعده به نتیجه‌ی یکسان منجر می‌شوند. با این توضیح که راحت-ترین راه برای اثبات اینکه داده‌پیام از سیستم اطلاعاتی وابسته به اصل ساز خارج شده، این است که این داده‌پیام توسط سیستم اطلاعاتی مخاطب یا سیستم انتقال واسطه‌ها دریافت شده باشد. در تفسیر قسمت دوم بند ۱ ماده ۱۰ کنوانسیون، هم آمده است که این قسمت ناظر به موردی است که ارتباط الکترونیکی از سیستم اطلاعاتی وابسته به اصل ساز خارج نشده است. این فرض که در ماده ۱۵ قانون نمونه، نیامده است، زمانی اتفاق می‌افتد که به عنوان مثال، طرفین داده‌پیام‌هایی را با همان سیستم اطلاعاتی یا شبکه‌ی واحد ارسال می‌کنند به گونه‌ای که داده‌پیام الکترونیکی هرگز به صورت واقعی در سیستم متعلق به طرف دیگر وارد نمی‌شود. در چنین موردی، زمان ارسال و زمان دریافت داده‌پیام، یکی خواهد بود» (به نقل از: دلفون، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

بند دوم: زمان دریافت داده پیام

مطابق ماده ۲۷ قانون تجارت الکترونیک ایران: «زمان دریافت داده‌پیام، مطابق شرایط زیر خواهد بود:

الف- اگر سیستم اطلاعاتی مخاطب برای دریافت داده‌پیام معین شده باشد، دریافت زمانی محقق می‌شود که:

- ۱- داده‌پیام به سیستم اطلاعاتی معین وارد شود؛ یا
 - ۲- چنانچه داده‌پیام به سیستم اطلاعاتی مخاطب غیر از سیستمی که منحصرأً برای این کار معین شده، وارد شود، داده پیام بازیافت شود.
- ب- اگر مخاطب، یک سیستم اطلاعاتی برای دریافت معین نکرده باشد، دریافت

زمانی محقق می‌شود که داده‌پیام وارد سیستم اطلاعاتی مخاطب شود».

این ماده ترجمه‌ی بند ۲ ماده ۱۵ قانون نمونه آنسیترال است که برای تعیین زمان دریافت داده‌پیام، دو فرض مختلف پیش‌بینی کرده است:

فرض اول: مخاطب، سیستم اطلاعاتی خاصی را برای دریافت داده‌پیام تعیین کرده باشد. در این صورت دو حالت متصور است:

(۱) ممکن است اصل‌ساز، پیام را به سیستم اطلاعاتی تعیین شده بفرستد. در این حالت، رسیدن داده‌پیام هنگامی محقق می‌شود که داده پیام به همان سیستم اطلاعاتی وارد شود هر چند مخاطب از آن آگاه نشده باشد.

(۲) ممکن است اصل‌ساز، داده‌پیام را به یکی دیگر از سیستم‌های اطلاعاتی مخاطب و به جز سیستمی که به طور انحصاری به این منظور معین شده است، بفرستد. در این حالت، از لحظه‌ای که مخاطب، این داده‌پیام را بازیافت می‌کند، دریافت شده انگاشته می‌شود، نه لحظه‌ای که به این سیستم وارد شده است.

فرض دوم: مخاطب، سیستم اطلاعاتی خاصی را برای دریافت داده‌پیام، تعیین نکرده باشد. در این صورت، به محض اینکه داده‌پیام به هر یکی از سیستم‌های اطلاعاتی مخاطب وارد شود، دریافت شده انگاشته می‌شود. هنگامی می‌توان گفت که داده‌پیام به سیستم اطلاعاتی مخاطب وارد شده که مخاطب بتواند شروط آن را بررسی و مطالعه کند (فیضی چکاب، ۱۳۸۳: ۴۳۱ - ۴۳۰).

به موجب بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد: «زمان وصول ارتباط الکترونیکی هنگامی است که ارتباط الکترونیکی، توسط مخاطب در آدرس الکترونیکی که توسط او تعیین (طراحی) شده، قابل دسترسی است. زمان وصول ارتباط الکترونیکی در دیگر آدرس الکترونیکی مخاطب، هنگامی است که توسط او در آن آدرس قابل دسترسی است و مخاطب آگاه می‌شود که ارتباط الکترونیکی به آدرس او ارسال شده است. چنین فرض می‌شود که ارتباط الکترونیکی توسط مخاطب، هنگامی که به آدرس الکترونیکی او می‌رسد، قابل دسترسی است».

دبیرخانه‌ی آنسیترا ل در یادداشتی توضیحی، در مقایسه‌ی بین بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون فوق و ماده ۱۵ قانون نمونه (که ماده ۲۷ قانون تجارت الکترونیک ایران عیناً از آن پیروی کرده است) چنین گوید: «هدف بند ۲ ماده ۱۰ توزیع عادلانه‌ی ریسک از بین رفتن ارتباطات الکترونیکی است. این مقررات، ضرورت اعطای یک قاعده‌ی تکمیلی عینی به اصل ساز را در نظر گرفته به نحوی که بتوان وصول یا عدم وصول داده‌پیام را تعیین کرد. در عین حال، این بند با دغدغه‌ی امنیت اطلاعات و ارتباطات در دنیای معاملات وضع شده که در آن استفاده‌ی روزافزون از سیستم‌های امنیتی نظیر فیلترها می‌تواند به طور جدی مانع وصول ارتباطات به مقاصدشان شود. بند ۲ مورد بحث با تکیه بر مفهومی که در سیستم‌های حقوقی مختلف مشترک است و در قوانین ملی که قانون نمونه‌ی آنسیترا ل را پذیرفته‌اند منعکس شده، مقرر می‌دارد که ارتباط الکترونیکی برای اینکه اصل شده فرض شود، باید قابل بازیابی باشد. این شرط که در قانون نمونه نیامده، عمدتاً بر تعیین زمان استوار است و تعیین سایر شرایطی که به موجب آنها، ارتباط الکترونیکی دریافت شده فرض می‌شود، به قوانین ملی واگذار شده است» (به نقل از: دبلفون، ۱۳۸۸: ۱۰۸ - ۱۰۷).

در باره‌ی زمان ارسال و وصول داده‌پیام، به شرحی که گفته شد، این نکته قابل ذکر است که از آنجا که ایران کنوانسیون ۲۰۰۵ را امضاء کرده است و مقررات آن در زمینه‌ی ارسال و دریافت داده‌پیام اندکی با مقررات قانون تجارت الکترونیک متفاوت است، این پرسش مطرح می‌شود که در صورت تصویب نهائی کنوانسیون در مجلس شورای اسلامی، در موارد اختلاف باید از کدام مقررات پیروی کرد؟

پاسخ این است که از یک سو، کنوانسیون ۲۰۰۵ ناظر به قراردادهای بین‌المللی است و قراردادهای منعقد شده در داخل ایران یا قراردادهایی را که بین‌المللی تلقی نمی‌شوند در بر نمی‌گیرد. از سوی دیگر، یادداشت دبیرخانه‌ی آنسیترا ل در این زمینه صراحت دارد: «کنوانسیون ۲۰۰۵ در صدد تفوق بر قوانین ملی، نیست» (به نقل از: دبلفون، ۱۳۸۸: ۱۱۰). در حقوق ایران با توجه به ماده ۹ قانون مدنی، کنوانسیونی که

ایران به آن پیوسته است، در حکم قانون است و همچون سایر قوانین داخلی در جایگاه خود قابل اعمال است.

۲-۳. رفع ابهام در مورد مسائل زمانی انعقاد قراردادهای الکترونیکی

دومین دلیل برای اعمال قواعد قبول مکاتبه‌ای به قبول الکترونیکی این است که از تردید و ابهام در زمینه «مسائل زمانی مرتبط با انعقاد قرارداد الکترونیکی» می‌کاهد. به عنوان مثال، اعمال قاعده‌ی عمومی (یعنی قاعده‌ی دریافت) باعث ایجاد این ابهام خواهد شد که «زمان نهائی انعقاد قرارداد از طریق ایمیل چه موقع است؟». به فرض ذیل توجه کنید:

اگر شخص «الف» ایمیل حاوی قبول خود را در عصر جمعه گذشته به شخص «ب» ارسال کند و شخص «ب» اتاق کار خود را از ظهر ترک گفته باشد و تا دوشنبه آینده به آن مراجعت نکند، سؤال این است که ما چه زمانی را باید «زمان دریافت» در نظر بگیریم؟ صبح دوشنبه که «ب» به اتاق کارش باز می‌گردد یا هر زمانی که «ب» ایمیلش را باز کند و به آن ایمیل حاوی قبولی دسترسی پیدا کند حتی اگر خارج از ساعت کارش باشد؟

در حقیقت، اعمال «قاعده‌ی صندوق پستی»^{۳۴} از این قبیل ابهامات جلوگیری می‌کند و یک زمان قطعی برای انعقاد قرارداد از طریق ایمیل به وجود می‌آورد.

۳-۲-۳. ماهیت منحصر به فرد انعقاد قرارداد از طریق ایمیل

دلیل سوم، عبارت است از «ماهیت خاص و ویژه انعقاد قرارداد از طریق ایمیل». ایمیل به عنوان یک «شیوه ارتباطی غیرانی» محسوب می‌شود. بنابراین ارتباط از طریق ایمیل ممکن است همراه با تأخیر باشد. سابق بر این، ایمیل به عنوان معادل دیجیتالی سیستم پستی در نظر گرفته می‌شد (گاردنر^{۳۵}، ۱۹۹۲: ۱۸۳). ارتباط از طریق ایمیل ممکن است با مشکلات زیر مواجه شود: تأخیر؛ اشکال داخلی و قطع شدن شبکه سرویس‌دهنده‌ی ایمیل؛ اشکال خارجی در محدود کردن دسترسی به ایمیل مثل قطع شدن شبکه اینترنت ملی؛ نفوذ غیرمجاز به ایمیل (هک کردن ایمیل)^{۳۶} و اشتباه وارد

کردن آدرس گیرنده.

هر یک از این مشکلات ممکن است دریافت ایمیل را با «تأخیر» مواجه کند یا «مانع» دریافت ایمیل شود. یکی از حقوقدانان پیشنهاد می‌کند که ریسک عدم دریافت ایمیل باید همانند پست‌های معمولی بر عهده‌ی «ایجاب‌دهنده» باشد. در غیر این صورت باید به این نکته توجه کرد که موضوعات مرتبط با تأخیر در تلکس، به طور مشابه قابل اعمال بر ایمیل هم هستند. در حقیقت، هیچ قاعده‌ی فراگیری وجود ندارد که همه‌ی این وضعیت‌ها را پوشش دهد. این احتمالات به گونه‌ای نیست تا دادگاه‌ها را متقاعد سازد که در صدد یافتن یک قاعده‌ی عمومی در مورد ارتباط از طریق ایمیل باشند. بنابراین، صرف احتمال تأخیر، اشتباه وارد کردن آدرس مخاطب یا مشکلات فنی عدم دسترسی به سرویس ایمیل نمی‌تواند در ایجاد یک قاعده‌ی فراگیر، مبنی بر اینکه قبول ایمیلی در زمانی غیر از «زمان اطلاع» مؤثر است، نقشی داشته باشند (گاردنر، ۱۹۹۲: ۱۸۴).

محاکم در پرونده‌هایی که شیوه ارتباط آنی (از قبیل تلفن، مبادله الکترونیکی داده-ها^{۳۷} و تلکس) وسیله انعقاد قرارداد بوده، به اعمال «قاعده‌ی دریافت» گرایش نشان داده‌اند. دادگاه استیناف انگلستان در دعوی شرکت اینتورز علیه شرکت مایلز^{۳۸} به وضوح اعلام کرد که قبولی ارسال شده از طریق تلکس زمانی مؤثر است که موجب آن را دریافت کند (سالزدو و برانر^{۳۹}، ۱۹۹۹: ۱۹).

زمانی که مشکلاتی در ارسال وجود داشته باشد، نظیر تأخیر فنی یا خطای انسانی، وضعیت حتی در خصوص ارتباطات آنی به حد کفایت روشن نیست. مجلس اعیان انگلیس نسبت به اعمال قاعده‌ی دریافت در صورت تأخیر یا خطا در ارسال، اظهار تردید کرده است (منبع پیشین). در آرای دیگری در حقوق انگلیس نیز این رویکرد مشاهده می‌شود.^{۴۰}

رویکرد فوق در محاکم ایالات متحده آمریکا نیز مورد پذیرش قرار گرفته است به خصوص در قبول از طریق تلکس؛ زیرا هر چند ممکن است تأخیراتی در دریافت قبول

پیش آید، لیکن به نظر می‌رسد که باید با تلکس همچون پست معمولی برخورد کرد.^{۴۱} در قراردادی که با تلکس منعقد می‌شود، قرارداد زمانی تکمیل می‌شود که تلکس «فرستاده شده باشد». در دعوی شرکت مارین موتور اوایل^{۴۲}، که متضمن ارتباط از طریق تلکس بود، بحث‌های گسترده‌ای در دادگاه شد در مورد اینکه به موجب قانون ورشکستگی ایالات متحده آمریکا^{۴۳} «زمان ارسال» زمان انعقاد قرارداد باشد. دادگاه بیان داشت که در جاییکه «قطعیت و اطمینان»^{۴۴} یکی از اجزای مهم ارتباط باشد، همانند پرونده حاضر که در مورد نفت است، قاعده‌ای که بیشترین قطعیت را فراهم می‌آورد، می‌تواند «قاعده ارسال»^{۴۵} باشد. دادگاه یادآور شد که تاریخ ارسال به راحتی از طریق مهر اداره پست بر روی پاکت یا تاریخ ثبت شده بر روی پیام تلکس، قابل تشخیص است. وانگهی، دادگاه بیان کرد که اعمال «قاعده دریافت» بر چنین دعوایی متضمن مشکلات فراوانی است. به عنوان مثال، دادگاه بیان کرد که «زمان ارسال» یک تلکس به راحتی قابل تشخیص است، اما تعیین «زمان دریافت» دشوار است.

در خاتمه باید گفت که، یکی از توجیهات رد اعمال قاعده قبول پستی در خصوص معاملات الکترونیکی این واقعیت است که اعمال قاعده عمومی در قبول‌های ایمیلی، وضعیت را پیچیده‌تر خواهد کرد؛ زیرا در پروسه‌ی یک ارتباط، آیتم‌های متعددی وجود دارد که از طریق آنها می‌توان زمان دریافت مخاطب را شناسایی کرد. برای مثال، کدام یک از این دو زمان را «زمان دریافت» در نظر بگیریم:

- زمانی که ایمیل به سرور خدمات دهنده (رسا) می‌رسد؛ یا

- زمانی که ایمیل در رایانه‌ی گیرنده قابل دانلود باشد.

برخی از نویسندگان، فرض را بر این گذاشته‌اند که «دریافت» زمانی اتفاق می‌افتد که پیام وارد رسای ایجاب‌دهنده شود (دیکی^{۴۶}، ۱۹۹۸: ۳۳۲). در حالی که دیگران معتقدند که «دریافت» زمانی اتفاق می‌افتد که پیام وارد صندوق پستی ایمیل ایجاب-دهنده شود، حتی اگر وی وارد ایمیل خود نشده و آن را نخوانده باشد (فاسیانو^{۴۷}، ۱۹۹۶: ۱۵۴۲). به نظر می‌رسد دیدگاه نخست با واقعیات فضای مجازی بیشتر سازگار

۴. نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی اعمال قاعده‌ی قبول پستی نسبت به قبول الکترونیکی پرداخت. به نظر می‌رسد که بتوان قاعده‌ی پستی را از طریق وحدت ملاک در شیوه‌های جدید ارتباطی، نظیر ایمیل، اعمال کرد. اگرچه ایمیل یک «وسیله‌ی ارتباطی» نیست؛ زیرا بین ارسال و دریافت پیام از طریق ایمیل ممکن است تأخیراتی وجود داشته باشد. بنابراین، ایمیل مانند تلفن نیست که طرفین با یکدیگر همزمان ارتباط برقرار کنند. قوانین در مورد زمان انعقاد قرارداد از طریق ایمیل ساکت هستند. بالعکس، شفافیت بیشتری در مورد اعمال قاعده کلی (دریافت) در خصوص قبول از طریق وبسایت وجود دارد.

با بررسی مبانی ایجاد و توسعه‌ی قاعده پستی و استدلال‌های پیش گفته، می‌توان چنین نتیجه گرفت که قبول ایمیلی از قاعده‌ی پستی متأثر است. توضیح اینکه، ایمیل صرفاً یک وسیله‌ی تبادل آنی ارتباطی نیست بلکه می‌توان آن را نوع دیجیتالی پست معمولی محسوب کرد. بنابراین، قواعد قبول در عقود مکاتبه‌ای در این نوع از قراردادها نیز قابل اعمال هستند.

پی‌نوشت

1. Distance Contracts.
2. *Adams v Lindsell* (1818) 1 B & Ald 681; 106 ER 250.
3. Stone.
4. Salzedo & Brunner.
5. *House hold Fire and Carriage Accident Ins.Co.V. Grant* (1879) LR Ex D 216 at 221; see also *Re Imperial Land Co of Marseilles* (1872) LR 7 Ch App 587 at 594.
7. Stone.
8. Oughton & Davis.
9. Evans.
10. Agent to Transmit the Acceptance.
11. Agent to Receive the Acceptance.

- | | |
|--------------------------------------|------------|
| 12. Treitel. | 13. Hill. |
| 14. Offline. | 15. Draft |
| 16. Internet Service Provider (ISP). | 17. Send. |
| 18. Christensen. | 19. Ronan. |

۲۰- بخش ۱۵ قانون متحدالشکل معاملات الکترونیکی آمریکا مصوب ۱۹۹۹ (یوتا) از ماده ۱۵ قانون نمونه تجارت الکترونیک آنسیترا ل مصوب ۱۹۹۶ اقتباس شده است.

21. Instantaneous.
22. Uniform Electronic Transactions Act (UETA). UETA was approved by the National Conference of Commissioners on Uniform State Laws (NCCUSL) on July 23, 1999. A copy of UETA is available at www.law.upenn.edu/bll/ulc/fnact99/1990s/ueta99.htm

این قانون توسط کنفرانس ملی نمایندگان رسمی برای تصویب قوانین متحد الشکل ایالات متحده (NCCUSL)، در کنفرانس سالانه‌شان که ۲۳ تا ۳۰ جولای ۱۹۹۹ برگزار شد به تصویب رسید (که در این مقاله از آن به یوتا (UETA)، تعبیر می‌شود). یوتا که در آگوست ۱۹۹۹ اجرایشده شد بسیار موفق بوده است. برخلاف دستورالعمل تجارت الکترونیکی که کشورهای عضو اتحادیه اروپا به پذیرش آن ملزم‌اند، ایالات آمریکا در صورت تمایل مختارند یوتا را به تصویب رسانند. تا سال ۲۰۱۱ از بین ۵۰ ایالت آمریکا فقط سه ایالت واشنگتن، نیویورک و ایلینویز یوتا را نپذیرفتند.

23. Uniform Computer Information Transactions Act (UCITA).
- قانون مزبور (که آخرین اصلاح آن در سال ۲۰۰۰ کامل شد)، توسط کنفرانس ملی نمایندگان رسمی برای تصویب قوانین متحدالشکل ایالات متحده (NCCUSL) در کنفرانس سالانه‌شان که در ۲۸ آگوست ۲۰۰۰، یعنی متعاقب کنفرانس سالانه که در ۲۳ تا ۳۰ جولای ۱۹۹۹ برگزار شد، به تصویب رسید

<http://www.law.upenn.edu/bll/archives/ulc/ucita/ucita200.htm>

24. Poggi.
25. The Restatement (Second) of Contracts (1981). Available online at: http://lexinter.net/LOTWV4/restatement_of_contracts.htm

بازنویسی دوم حقوق مانند قانون بوده و دارای ۳۷۱ بخش است که در آن قواعد ماهوی، همانند قوانین موضوعه آمده و توضیح و تفاسیر لازم ارائه شده است. بازنویسی دوم قانون موضوعه نیست و تنها به عنوان منبع ثانوی همانند کتب مرجع به شمار می‌رود که فاقد قدرت الزام‌آور است.

26. Option Contract.
27. The Electronic Commerce (EC Directive) Regulations 2002 (SI 2002/2013). Available online at: http://www.legislation.gov.uk/uksi/2002/2013/pdfs/uksi_20022013_en.pdf

آیین‌نامه تجارت الکترونیک انگلستان تا حد زیادی از دستورالعمل تجارت الکترونیک اتحادیه اروپا

بررسی تطبیقی امکان سرایت قواعد قبول پستی بر قبول الکترونیکی

مصوب ۲۰۰۰ اقتباس شده است.

28. Ramberg.
29. Moment at which the contract is concluded.
30. Murray.
31. www.amazon.com
32. Placing of Order.
33. United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts (Resolution adopted by the General Assembly on the Report of the Sixth Committee A/60/515).
34. Postal Rule.
35. Gardner.
36. Hack.
37. Electronic Data Interchange (EDI).
مبادله الکترونیکی داده‌ها (EDI) عبارت است از انتقال داده‌های تجاری از یک سیستم کاربردی به سیستم کاربردی دیگر که میان دو یا چند سازمان و با فرمتی استاندارد صورت می‌گیرد (EDI استاندارد). اما EDI تحت وب عبارت است از مبادله‌ی الکترونیکی اسناد تجاری با فرمتی استاندارد میان دو رایانه از دو یا چند شرکت یا سازمان روی بستر وب (امینی، ۱۳۸۶).
38. *Entores Ltd v Miles Far East Corporation* [1955].
39. Salzedo & Brunner.
40. See *Entores LD v Miles Far East Corporation* [1955] 2 QB 327 at 337; *Bressan v Squires* [1974] 2 NSWLR 460; *Tallerman & Co Pty Ltd v Nathan's Merchandise (Victoria) Pty Ltd* (1956) 98 CLR 93 at 111-112 and *Nunin Holdings Pty Ltd v Tullamarine Estates Pty Ltd* [1994] 1 VR 74.
41. See: *Marin Motor Oil Inc.*, 740 F. 2d 220,227-229(3d Cir.1984); *Norse Petroleum A/S v. LVO Intern, Inc.*, 389 A. 2d 771 - Del: Superior Court 1978.
42. *Marin Motor Oil Inc.*, 740 F. 2d 220,227-229(3d Cir.1984). Available on: <<http://ftp.resource.org/courts.gov/c/F2/740/740.F2d.220.83-5500.html>>
43. United States Bankruptcy Code.
44. Certainty.
45. Dispatch Rule.
46. Dickie.
47. Fasciano

منابع

الف. فارسی

- السان، مصطفی (۱۳۸۵). "ایجاب و قبول معاملات الکترونیکی". *مجله تحقیقات حقوقی*، ۴۳ (بهار و تابستان): ۳۳۷-۴۰۵.
- امیریان، غلامرضا (۱۳۸۵). *آشنائی با تعاریف سیستم‌های نرم‌افزاری و شبکه*. تهران: انتشارات معاونت آموزش و پژوهش صدا و سیما.
- امینی، منصور و یوسف نمازدوست (۱۳۸۶). "استراتژی‌های تجارت الکترونیکی: روش‌های استاندارد سازی تجارت الکترونیکی". *مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی تجارت الکترونیکی*، تهران: معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی.
- <<http://dpea.moc.gov.ir/Documents/Congress/PastCongress/4/22.pdf>> (visited at 2012-08-12)
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۲). *المکاسب*. ج ۲، قم: دارالحکمه.
- حقیقت‌خواه، امیرحسین (۱۳۸۴). *گسترش تجارت الکترونیکی در ایران: چالش‌ها و راه‌های بهبود بهره‌وری*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- درودیان حسنعلی (بی‌تا). *جزوه درسی حقوق مدنی (۳)*. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- دبلفون، زویه لینان (۱۳۸۸). *حقوق تجارت الکترونیک*. ترجمه: ستار زرکلام، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- رضائی، علی (۱۳۸۷). *حقوق تجارت الکترونیکی*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۰). *تشکیل قراردادها و تعهدات*. تهران: انتشارات مجد.
- صادقی، حسین (۱۳۸۸). *مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک*. تهران: بنیاد حقوقی

میزان.

صفائی، حسین (۱۳۸۶). دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها. ج ۲،

تهران: بنیاد حقوقی میزان.

فیضی چکاب، غلام‌نبی (۱۳۸۳). لحظه‌ی انعقاد قرارداد از رهگذر واسطه‌های

الکترونیکی. مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی فناوری

اطلاعات، تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه.

کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۳). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، تهران:

شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.

کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۱). دوره‌ی عقود معین: معاملات معوض - عقود تملیکی. ج

۱، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.

کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۰). ستایش قرارداد یا اداره‌ی قرارداد. مجله دانشکده حقوق و

علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۲، تیر ماه، صص ۱۱۱-۱۳۵.

نصیری، مرتضی (۱۳۸۳). حقوق تجارت بین‌المللی در نظام حقوق ایران. تهران:

انتشارات امیرکبیر.

ب. انگلیسی

Adams, J. & Brownsword, R. (2000). **Understanding Contract Law**.
London: Fontana/HarperCollins, 3rd Ed.

Christensen, S. (2001). "Formation of Contracts by Email – Is it Just
the Same as the Post?" **Queensland University Technology Law
& Justice Journal**, 1 (1): 22-38.

Dickie, J. (1998), "When and Where are Electronic Contracts
Concluded", **Northern Ireland Legal Quarterly**, 49 (3): 332-
334.

Directive 2000/31/EC of the European Parliament and of the Council

of 8 June 2000 on certain legal aspects of information society services, in particular electronic commerce, in the Internal Market (Directive on electronic commerce). Available online at <http://ec.europa.eu/internal_market/e-commerce/directive_en.htm> (visited at 2012-08-12)

- Evans, D. M. (1966). "The Anglo-American Mailing Rule: Some problems of offers and acceptance in contracts by correspondence". **International and Comparative Law Quarterly**, 15 (2): 553-575.
- Fasciano, P. (1996-1997). "Internet Electronic Mail: A Last Bastion for the Mailbox Rule". **Hofstra Law Review**, 25, 1542.
- Gardner, S. (1992). "Trashing with Trollope: A Deconstruction of the Postal Rules in Contract". **Oxford Legal Studies**, 12 (2):170-194.
- Hill, S. (2004), "Flogging a dead horse –the postal acceptance rule and email, Deveral Capps, Electronic mail and the postal rule". **International Company and Commercial Law Review**, 17: 151.
- Murray, A.D. (2005). "Contracting electronically in the shadow of the e-commerce directive", In: Edwards, Lilian, (ed.) **The New Legal Framework for E-Commerce in Europe**, Hart Publishing, Oxford, UK, 67-92.
- Oughton, D. & Davis, M. (2000). **Sourcebook on Contract Law**, London: Cavendish Pub, Second Edition.
- Poggi, Christopher T. (2000). "Electronic Commerce Legislation: An analysis of European and American Approaches to Contract Formation". **Virginia Journal of International Law**, 41, 224.
- Ramberg, Christina Hultmark, (2001). "The Ecommerce Directive and Formation of Contract in a Comparative Perspective". **Global Jurist Advances**, 1 (2): 429.
- Ronan, D. (2006), "Challenged But Not Defeated By Technology: Why the Postal Rule Should Apply To Contracts Formed By Email", **61st Annual ALTA (Australasian Law Teachers Association) Conference**, Victoria University, Melbourne. Available online at: <http://www.alta.edu.au/pdf/conference/published_papers/ronan_d_2006_alta_conference_paper_challeng

ed_but_not_defeated.pdf>

- Salzedo, S. & Brunner, P. (1999). **Briefcase on Contract Law**. England: Cavendish Pub, Third Edition.
- Stone, R. (2002). **The Modern Law of Contract**. Australia: Cavendish Pub, Fifth Edition.
- Stone, R. (2003). **Contract Law**. Oregon: Cavendish Pub, Fifth Edition.
- Suff, M. (2000). **Essential Contract Law**, London: Cavendish Pub, Second Edition.
- The Electronic Commerce (EC Directive) Regulations 2002 (SI 2002/2013). Available online at: <http://www.legislation.gov.uk/ukxi/2002/2013/pdfs/ukxi_20022013_en.pdf>
- The Restatement (Second) of Contracts (1981). Available online at: <[http://lexinter.net/LOTWVrs4/restatement_\(second\)_of_contracts.htm](http://lexinter.net/LOTWVrs4/restatement_(second)_of_contracts.htm)>
- Treitel, G.H. (1991). **The Law of Contract**. London: Sweet and Maxwell, 8th Ed.
- Uniform Electronic Transactions Act (UETA). UETA was approved by the National Conference of Commissioners on Uniform State Laws (NCCUSL) on July 23, 1999. A copy of UETA is available at www.law.upenn.edu/bll/ulc/fnact99/1990s/ueta99.htm
- United Nations Convention on the Use of Electronic Communications in International Contracts (Resolution adopted by the General Assembly on the Report of the Sixth Committee A/60/515).
- Uniform Computer Information Transactions Act (UCITA). Drafted by the National Conference of Commissioners on Uniform State Laws and by it Approved and Recommended for Enactment in all the States at its Annual Conference Meeting in its One-Hundred-and-Eighth Year in Denver, Colorado, July 23-30, 1999. <<http://www.law.upenn.edu/bll/archives/ulc/ucita/ucita200.htm>>
- Watnick, V. (2004). "The Electronic Formation of Contracts and the Common Law Mailbox Rule". **Baylor Law Review**, 56, 175

- Werner, J. (2000). "Online Business Transaction and the Applicability of Traditional English Contract Law Rules". **International Journal of Communications Law and Policy**, 6, available online at: http://www.ijclp.net/files/ijclp_web-doc_3-6-2001.pdf
- Yamaguchi, M. (2004). "The Problem of Delay in the Contract Formation Process: A Comparative Study of Contract Law". **Cornell International Law Journal**, 37, 357.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی